

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

بررسی شیوه‌های مشارکت شهروندی در توسعه شهری ایلام

قربان حیدریگی^۱

چکیده

مدیران شهری همواره سعی کرده‌اند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در راستای دستیابی به توسعه و مدیریت شهری نائل آیند. مشارکت شهروندان در امور شهری یکی از اصول مهم پایداری و دموکراسی در جوامع شهری محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت مشارکت در توسعه و مدیریت شهری شهر، هدف از انجام این پژوهش، بررسی شیوه‌های مشارکت شهروندی در توسعه شهری ایلام به صورت توصیفی-همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان شهر ایلام می‌باشند که براساس فرمول کوکران نمونه‌ای به تعداد ۲۰۰ نفر سرپرست خانوار در ۴ منطقه شهر ایلام به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب و بین آنها پرسشنامه توزیع شد. پرسشنامه پژوهش محقق ساخته است که روایی آن توسط متخصصان و کارشناسان تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۳ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاکی از آن داشت که میزان مشارکت شهروندان شهر ایلام در امور شهری کمتر از حد میانگین بود و میزان آن در سطح شهر متفاوت بود. به طوری که مشارکت مالی با مقدار ۲/۵۱۴ بالاترین میزان و رتبه اول را به خود اختصاص داده و مشارکت ابزاری با مقدار ۲/۱۸۱ در رتبه آخر قرار گرفته است. همچنین بین انواع مشارکت (مالی، سیاسی، فیزیکی، ابزاری و ذهنی معنوی) با توسعه شهری شهر ایلام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و مشارکت مالی، سیاسی، فیزیکی، و ذهنی معنوی در توسعه شهری شهر ایلام ۵۱ درصد از توسعه شهری شهر ایلام را تبیین نمودند.

واژگان کلیدی: مشارکت، شیوه مشارکت، توسعه شهری، شهر ایلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری. پست الکترونیک: ghheidar1397@gmail.com

مقدمه

از دهه ۱۹۵۰ میلادی که توسعه شهرنشینی و بزرگ شدن شهرها رشد بسیار سریعی داشته است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰)، مشکلات و معضلات فراوانی از قبیل افزایش فقر در شهرها، مشکلات مسکن و نارسایی خدمات شهری، کمبود آب آشامیدنی، ایجاد زاغه‌ها و مساکن غیرقانونی، بزهکاری اجتماعی، آلودگی هوا و محیط زیست و کاهش فضای سبز شهری و ... در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۲۹) در این شرایط جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای دارد (فیروزبخت و ربیعی فر، ۱۳۹۱: ۹۲). به نحوی که مدیریت شهری بدون ظرفیت‌سازی محله‌ای و استفاده از توان مشارکتی در ساماندهی امور شهری (ابوذری، ۱۳۹۰: ۱)، تکوین فرآیند توسعه شهری (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) توفیق چندانی نخواهد داشت. در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته است و همه از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن رانده‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در حیطه‌ی مدیریت شهری، منجر به بهبود کیفیت مدیریت و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر امر مدیریت شهری می‌شود از این رو، مدیریت شهری ناگزیر در مشارکت دادن شهروندان در امر مدیریت شهری است که از یک سو باعث بهبود مدیریت شهری و از سوی دیگر، به ارتقاء کیفیت خدمات شهری می‌انجامد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). همچنین، جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی، هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علاقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

شهر ایلام به عنوان یکی از شهرهای کوچک کشور که با رشد سریع شهرنشینی در چند دهه اخیر مواجه بوده است. مساله مدیریت شهر و چگونگی اداره شهر همواره به صورت مساله‌ای بحث‌انگیز در محافل علمی این شهر مطرح بوده است. بر این اساس، شهر ایلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان خود نیازمند مدیریت منسجم و هماهنگی است که با حضور تمام سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی در تعاملی سازنده با شهروندان می‌تواند از اتلاف منابع محدود جلوگیری کرده و کاهش ناهماهنگی بین بخش‌های مختلف مدیریتی شهر و مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور شهری در جهت رسیدن به توسعه را به همراه داشته باشد. این دیدگاه لزوم تحول در ساختار نظام مدیریت کشور را مشخص نموده است.

با توجه به اهمیت مشارکت مردم در توسعه شهری، هدف از انجام این پژوهش، بررسی شیوه‌های مشارکت شهروندان شهر ایلام در توسعه شهری می‌باشد. بر این اساس اکنون این سؤال مطرح است که میزان شیوه‌های مشارکت شهروندان در امور شهری در شهر ایلام چگونه است؟ و آیا این شیوه‌ها در توسعه شهری شهر ایلام تأثیرگذار هستند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مشارکت

واژه‌های «مشارکت» و «مشارکتی» به مفهوم امری، برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ در ادبیات توسعه ظاهر شده است. علت رواج این واژه، شکست طرح‌های توسعه و نسبت دادن این شکست به عدم حضور و مشارکت مردم در فرایند

طراحی و اجرای این طرح‌ها می‌باشد. از این رو، توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک مفهوم کلیدی و به صورت گسترده‌ای در ادبیات توسعه مطرح شد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). کلمه مشارکت^۱ به معنای قسمت، جزء و بخش^۲ گرفته شده است. این کلمه از ریشه لاتین participato به معنای «با خود داشتن» در نفس خویش چیزی از غیر داشتن و «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» است. یعنی سهمی شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است (آریانپور، ۱۳۷۴). واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیر شدن و تجمع جهت منظوری خاص است. لیکن در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (مهرزاد، ۱۳۸۹: ۴). در واقع مشارکت نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است (کاکاوند، ۱۳۹۰: ۳). همچنین دانیل لرنر^۳ مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در توسعه و تجدد به حساب می‌آورد و معتقد است زمینه‌های انجام مشارکت عبارتند از: آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات و سنتی نبودن. به عبارت دیگر لرنر معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی، سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد و این منوط به رشد شهرنشینی با داشتن امکانات فراوان در آن جامعه است (رضادوست، ۱۳۸۸: ۴). آلن پیرفیت در دیباچه «اثر دسته جمعی و مشارکت چیست» می‌نویسد: مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد (نیرومند و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

شهروند

شهروندی سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می‌باشد (وردی نژاد، ۱۳۹۰: ۲). مانند: دانستن اسامی مدیران شهری، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و ... شهروندی یکی از نقش‌های اجتماعی اصلی افراد در جامعه مدرن است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۷). معمولاً در مباحث روزمره هرکسی که در شهر زندگی می‌کند شهروند می‌نامند (روشن، ۱۳۸۷: ۴۰). مفهوم شهروندی از سه بعد اصلی تشکیل شده است: اولین بعد این مفهوم بعد قانونی آن است که از طریق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود. در اینجا، شهروند فردی قانونی است که می‌تواند آزادانه و بر طبق قوانین رفتار کند و این حق را دارد تا مدعی حفظ حقوق خود باشد. اما این بدان معنی نیست که شهروند بتواند در قاعده و دستورسازی قوانین نیز مشارکت کند یا قوانین برای همه شهروندان یکنواخت باشد. دومین مفهوم شهروندی این است که شهروندان به عنوان نمایندگان سیاسی به صورت فعال در نهادهای سیاسی اجتماعی شرکت کنند. و سومین بعد از مفهوم شهروندی، شهروندی را عضوی از دیدگاه جامعه سیاسی می‌بیند (Cohen, 1999:203).

شهر، مدیریت شهری و شیوه‌های مشارکت شهری

کلمه شهر، پلیس یا مدینه در بسیاری از کشورهای جهان از کلمه یونانی و رومی اخذ گردیده که معانی آن کلمه «تمدن» یا «مقررات» بوده است. به این ترتیب شهر به جایی اطلاق می‌شده است که در آنجا تمدن و مقررات بر توحش و خشونت

^۱. Participation

^۲. Part

^۳. Danil Lerner

غلبه داشته باشد (کامیار، ۱۳۷۹: ۱۴). شهر به صورت یک سیستم پویا و باز عمل می کند که ساختار این سیستم هر کدام دارای کارکردهای خاص خود بوده و در عین حال در ارتباط متقابل با سایر ساختارهای سیستم عمل می کنند. این عملکردها و کارکردها در پیوستگی زمانی و مکانی - فضایی در حال تغییر و تحول و همچنین در حال باز تولیداند (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲). از نظر قانونی طبق ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران، شهر، محلی (مکانی) است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی های خاص خود است، به طوری که اکثریت ساکنان دایمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، خدمات و فعالیت های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردارند. شهر کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷).

مدیریت شهری^۱ فرآیندی است که موجب خدمات رسانی به ساکنین، شاغلین و گردشگران شهر در امور نیازمند اقدامات و بسیج منابع جمعی می شود. طی این فرایند می بایست اقدامات و بسیج منابع به شیوه ای کارا، اثر بخش و دربرگیرنده همگان به کار گرفته شوند. مدیریت شهری مجموعه ای از ابزار، اقدامات و کارکردهائی را در بر می گیرد که تضمین نماید زندگی شهر و شهروندان ادامه یابد و از این رو شامل برنامه ریزی، سازماندهی و بسیج منابع، اجرا، کنترل و هدایت می شود (صرافی، ۱۳۷۹: ۸۰). با توجه به اینکه مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر می باشد. بنابراین، اکثر صاحب نظران امور شهری به این نتیجه رسیده اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذینفعان اصلی امور شهر (مردم) موفقیت چندانی در اداره شهرها ندارند. از این رو باید از راه های مختلف زمینه های مشارکت و همکاری فعال مردم در امور شهری را فراهم کرد (کاظمیان، ۱۳۸۹: ۲۴). از این رو هدف اساسی مدیریت شهری، سازماندهی و ساماندهی امور شهری با مشارکت و همکاری مردم است (ارجمندینا، ۱۳۸۵: ۳۲۲).

دو شیوه عمده مدیریت مشارکتی؛ روش فردی و مستقیم و روش گروهی و دسته جمعی (به صورت فردی و نمایندگی) است. در روش مشارکت فردی یک فرد، کارگر، کارمند یا یک شهروند می تواند به طور انفرادی و مستقیم در فعالیت بنگاهی که در آن مشغول است دقت، تامل و تفکر کند و دیدگاه خویش را در جهت بهبود اوضاع به شیوه های گوناگون به مدیریت اعلام نماید. این روش، روشی ساده و خودجوش است و به ابتکار شهروندان می انجامد. البته در این روش شهروندان هیچ گونه دخالتی در امور مدیریت ندارند و فقط از طریق پیشنهادهای مفید با مدیریت همکاری و در صورت ضرورت آن را هدایت و راهنمایی می نمایند. در روش گروهی و دسته جمعی، گروهی از شهروندان به طریق مختلف در امر مدیریت و اداره واحدها و بنگاهها مشارکت می کنند. روشی که مشارکت شهروندان به صورت فردی از جانب خود و باطرز فکر آنان انجام می شود و روشی که به صورت نمایندگی صورت می پذیرد، شیوه های اعمال مشارکت در این بخش هستند. در روش مشارکت به صورت نمایندگی افراد به نمایندگی از سوی دیگر شهروندان با مدیریت به شیوه های زیر مشارکت و همکاری می نمایند:

- تشکیل کمیته ها و شوراهایی مرکب از نمایندگان دو طرف جهت بررسی و اتخاذ تصمیم درباره اداره شهر

- مشارکت نمایندگان شهروندان در مذاکرات دسته جمعی که نهایتاً منجر به انعقاد پیمان دسته جمعی می شود و بر شرایط

بنگاه (شهر) و در نتیجه بر روند کار تاثیر می گذارد.

^۱ Urban/City Mangement

-تشکیل شوراهای مختلف مانند شورای اسلامی کار، که نمایندگان شهروندان، مدیران مسائل مربوط به اداره امور واحد را بررسی می‌کنند و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند.

-عضویت در هیئت مدیره شورای اسلامی شهر یا روستا نیز، در مواردی که واحدهایی از سوی دولت ملی معرفی می‌گردد، رخ می‌دهد.

-مشارکت از طریق مالکیت شهروندان؛ که ممکن است از طریق فروش سهام واحدهای اقتصادی باشد و موجب شود آنان نیز به شکل مالک در امر تولید و خدمات شرکت‌ها مشارکت کنند (شیخ، ۱۳۸۱: ۳۵).

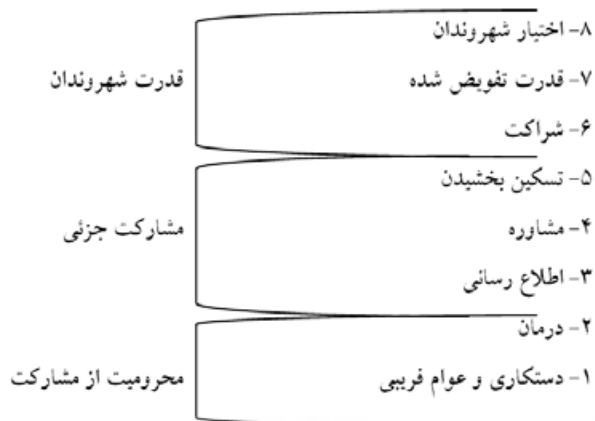
نظریات مشارکت

نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت و مدیریت شهری مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها، میزان نوآوری و خلاقیت و استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، دو رویکرد عمده تحت عنوان نگرش خرد و نگرش کلان وجود دارد که در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد (Ritzer, 1994: 118). از این رو، مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مدنظر دارد (علوی‌تبار، ۱۳۸۹: ۲۰). جان ترنر و دیگران با ارائه نظریه مشارکتی نشان می‌دهند، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود. وی با طبقه‌بندی اصولی انواع مشارکت، کمک شایانی به شکل‌گیری نظریه مشارکت کرده است. انواع مشارکت از نظر جان ترنر عبارتند از: ۱- دولت مقتدر، متمرکز و ثروتمند است و نیازی به مشارکت مردم احساس نمی‌کند. ۲- دولت مقتدر و متمرکز است ولی ثروتمند نیست و به زور یا به تشویق از مردم می‌خواهد در امور به‌طور رایگان مشارکت کنند یا با اهداء پول یاری برسانند. ۳- دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در تمام اموری که مربوط به آنها می‌شود است و دولت هزینه‌های عمرانی را از ثروت ملی می‌پردازد. ۴- دولت دخالتی در امور محلی ندارد و مردم از طریق ارگان‌های مردمی هم منابع مالی را تأمین می‌کند و امور را مدیریت می‌کنند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸).

جیمز میجلی^۱ بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند. ۱- **شیوه ضد مشارکتی** (حکومت-ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها و امور را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهد)، ۲- **شیوه مشارکت هدایت‌کننده** (در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند)، ۳- **شیوه مشارکت فزاینده** (در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می‌کند. به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌شود)، ۴- **شیوه مشارکت واقعی** (در این شیوه دولت، به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارها و ساختارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند) (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸).

^۱. James Midgley

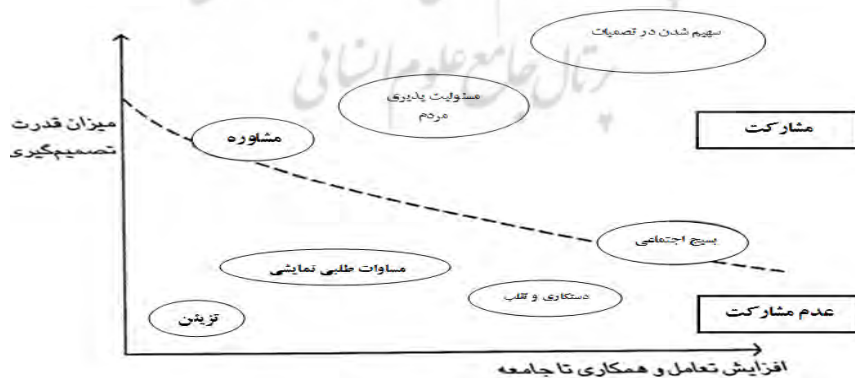
در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. شری ارنشتاین^۱ مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد. نردبان مشارکت ارنشتاین دارای پله‌های زیر است (عدالت‌خواه، ۱۳۷۵: ۳۷).



شکل (۱): نردبان مشارکت ارنشتاین

منبع: عدالت‌خواه، ۱۳۷۵: ۳۷.

دیوید دریسکل^۲ معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد. ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند. ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری دارند. از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می‌گیرد. دریسکل انواع مشارکت را در یک نمودار دو بعدی و بر حسب میزان اختیار در تصمیم‌گیری به شکل زیر نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل دو بعدی رابطه میزان قدرت تصمیم‌گیری و افزایش تعامل و همکاری با جامعه

منبع: حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۳.

^۱ . Sherry Arnstein

^۲ . David Driskell

پیشینه پژوهش

به طور کلی مطالعات و تحقیقات زیادی در ارتباط با مشارکت و اهمیت آن در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و مدیریت شهری انجام گرفته است، در این قسمت به خلاصه نتایج چند مورد از مهمترین مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری از حیثه اداره مردمی شهر را برایان مک‌لین در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر فرآیندی است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای که هم حکومت و هم اجتماع را در برمی‌گیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن و مک‌کینلی نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد، بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را نیز در برمی‌گیرد (un, 2000: 1). ترنر و بارت^۱ مولفه‌های اصلی اداره امور شهر را موارد زیر دانسته‌اند: مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخگویی و در واقع اصل اساسی اداره مردمی شهر و تحقق آن را مشارکت شهروندان می‌دانند (Rusmarsidik, 2000: 10). همچنین هاشمیان و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله خود عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد^۲ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که نتایج حاصل از آن نشان داد که میانگین مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار زیاد است و همچنین مؤثرترین متغیر مؤثر بر مشارکت شهروندان، رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری می‌باشد.

تلیار و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندی در مدیریت شهری با تأکید بر توسعه پایدار نشان دادند که مشارکت عنصر حیاتی در فرآیند توسعه پایدار تلقی گردیده و از آن به عنوان حلقه مفقود فرآیند توسعه یاد می‌کنند به همین جهت اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه کردن رابطه شهر و شهروندان نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را بر عهده دارد و این مورد، بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری، مهمترین نقش را ایفا کند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان ارزیابی مشارکت شهروندی و نقش آن در توسعه مدیریت شهری شهر یزد به انجام رسانیدند. نتایج بیانگر متوسط بودن سطح مشارکت پذیری شهروندان یزدی بوده که تغییرات آن با استفاده از عواملی نظیر جنسیت، وضعیت شغلی، آگاهی و اطلاعات درباره امور شهری، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت انجمنی، سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به آن تبیین می‌شود. از راهبردهای آن می‌توان به استفاده از مشارکت جاری و مستمر افراد در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه، برگزاری جلسات مدیران شهری با شهروندان در زمان‌های خاص و مکان‌های جمعی، جلب مشارکت مردم از طریق آشکار نمودن مزایای مشارکت و به فعلیت رساندن نظرات آنان در مدیریت شهری اشاره نمود.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری منطقه ۱۰ شهرداری مشهد به این نتایج دست یافتند که نقش مردم در اداره امور شهر (منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی - معنوی با ۴۲ درصد، مشارکت سیاسی با ۳۴ درصد مشارکت فیزیکی با ۲۷ درصد، مشارکت مالی با

^۱. Turner & Bart

۲۳ درصد و مشارکت ابزاری با ۳ درصد مشارکت در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفتند. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش‌های پنج‌گانه فوق بود نیز با ۲۶ درصد مشارکت نسبتاً کم ارزیابی گردید.

خواجه و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهرهای میانی در مدیریت شهری شهر بابل نشان دادند که میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل با میانگین ۲/۴۹ در امور مدیریت شهری از سطح متوسط پائین‌تر می‌باشد. در این بین بیشترین میزان مشارکت مربوط به محله کتی غربی و کمترین میزان مشارکت مربوط به محله کمانگرکلا می‌باشد.

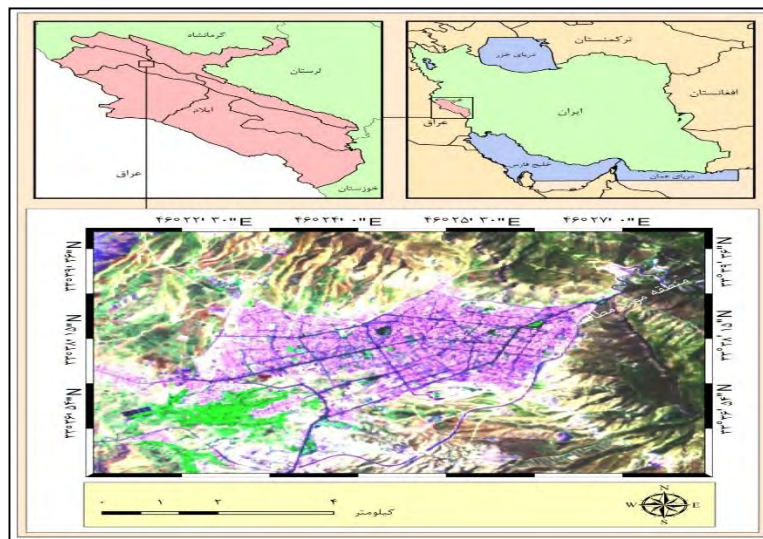
همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد بین متغیرهای مستقل شامل؛ رضایت شهروندان از خدمات شهری، اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری، آگاهی شهروندان از برنامه‌های مدیریت شهر و تعلق اجتماعی شهروندان با متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری) وجود دارد.

فخرایی و مرزی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری شهر تهران به این نتایج دست یافتند که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. براساس نتایج پژوهش، بین معیارهای حکمرانی و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مشارکت شهروندی بیشترین تأثیر و رابطه را با آگاهی شهروندی داشته و سپس با فاصله معنادار و زیادی تأثیری محسوس بر شفافیت و پاسخگویی و اعتماد اجتماعی دارد. همچنین رابطه متقابل درونی معناداری بین معیارهای حکمرانی وجود دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های گذشته می‌توان گفت که مشارکت امر مهمی است که در سطح شهرهای امروزی و مدیریت آن لازم و ضروری است. همکاری شهروندان، تسهیل امور شهری و افزایش حس تعلق و هویت را موجب می‌شود. همینطور میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری نیز افزایش می‌یابد. در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی انواع مشارکت مردم در امور شهر و نقش آن در مدیریت و توسعه شهر ایلام پرداخته شود. چرا که تاکنون پژوهشی با این مضمون در سطح شهر ایلام صورت نگرفته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر ایلام مرکز و مهم‌ترین شهر در شمال استان واقع شده است. این شهر در بخش مرکزی شهرستان ایلام براساس طرح جامع شهری در سال ۱۳۹۵ با مساحتی حدود بر ۳۱۵۰ هکتار بین طول‌های جغرافیایی ۲۸° ۲۲' ۴۶" تا ۲۷° ۰۱' ۴۶" و عرض‌های جغرافیایی ۳۱° ۳۱' ۳۳" تا ۳۳° ۳۹' ۳۴" قرار گرفته است (مهندسین مشاور بعد تکنیک، ۱۳۹۲). همچنین ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۴۴۰ متر می‌باشد. موقعیت جغرافیایی شهر ایلام در تقسیم‌بندی سیاسی کشور به شکل جز به جز در شکل (۳) زیر نشان داده شده است.



شکل (۳): موقعیت جغرافیایی شهر ایلام در استان و کشور

منبع: نگارنده، ۱۳۹۷.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان شهر ایلام تشکیل می‌دهند که تعداد ۳۸۳ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و بین آنها پرسشنامه توزیع شد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش محقق ساخته است که روایی آن به توسط متخصصان و کارشناسان این حوزه تأیید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۳ به دست آمد که نشان از اعتماد بالا به نتایج پرسشنامه داشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون در نرم‌افزار spss انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا به بررسی میزان مشارکت مردم در امور شهر پرداخته و بعد به کمک این داده‌ها به سنجش رابطه بین شیوه‌های مشارکت مردم و توسعه شهر پرداخته می‌شود.

بررسی میزان انواع مشارکت شهروندی

به منظور بررسی میزان انواع مشارکت شهروندی در امور شهر از آمار توصیفی استفاده شده است. مشارکت‌های مالی یکی از انواع مشارکت‌هایی است که مردم از طریق پرداخت عوارض‌ها، مالیات‌های گوناگون و سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اداره‌کننده شهری می‌توانند شرکت نمایند. چنانچه نتایج نشان داد این نوع مشارکت با میانگین ۲/۵۱۴ در سطح پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد اما نسبت به سایر مشارکت‌ها از میزان بیشتری برخوردار است و این بدان معناست که سطح مشارکت مالی شهروندان نسبت به انواع دیگر مشارکت بیشتر است اما کافی و مناسب نیست.

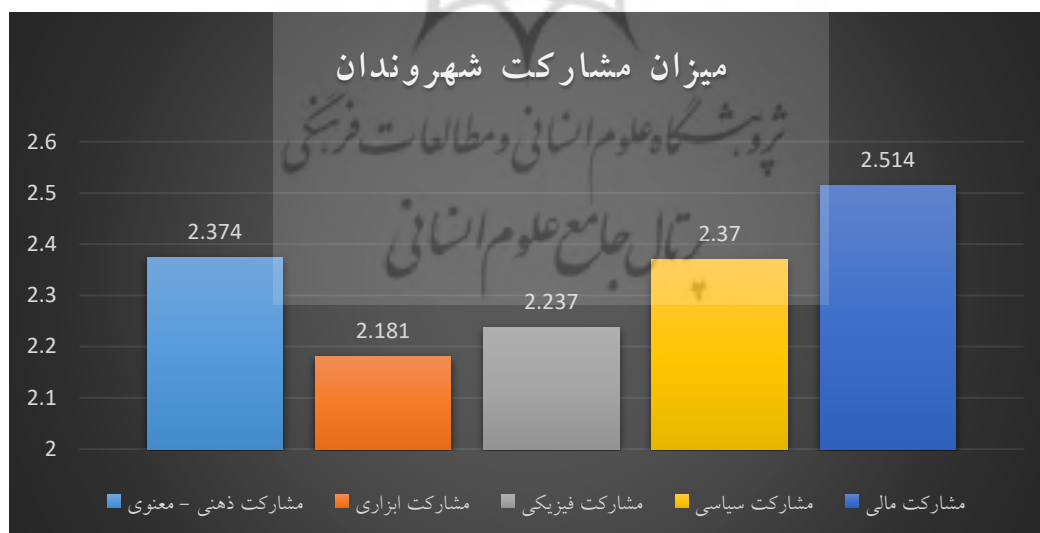
در مشارکت سیاسی فرد با اتخاذ تصمیماتی که عمدتاً مبتنی بر رای‌گیری است در انتخاب مدیران شهری مشارکت می‌نماید. گاهی نیز مشارکت‌های سیاسی در قالب اعتراض و تحصن‌های گروهی شکل می‌گیرد که مدیران شهری مجاب شوند به خواست آنان احترام بگذارند. میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر ایلام ۲/۳۷۰ به دست آمد که این

میزان به دست آمده نیز به دلیل شرکت شهروندان در رای گیری و انتخاب شورای شهر می باشد و مخالفت های خود را به صورت اعتراض و تحصن نشان نمی دهند.

مشارکت فیزیکی سومین نوع مشارکت است که در این نوع مشارکت، خود مشارکت کننده یا افرادی که او انتخاب می نماید، جای دارد. در این نوع مشارکت هر کس بسته به تخصص و توانایی خود در بهبودبخشی به محیط شهری و یا کمک به مدیران شهری همکاری می کند. سطح میانگین به دست آمده برای این نوع مشارکت ۲/۲۳۷ می باشد که نشان دهنده ضعیف بودن مشارکت فیزیکی شهروندان است.

در مشارکت ابزاری مشارکت کننده با در اختیار گذاردن وسایل، امکانات و ابزار شخصی خود دست به مشارکت می زند. این نوع مشارکت به دو دسته ابزاری منقول و غیرمنقول تقسیم می شود. در ابزاری منقول مثلاً خودرو شخصی مشارکت کننده در اختیار پروژه قرار می گیرد. در مورد ابزاری غیرمنقول مانند واگذاری ملکی برای مدتی جهت انجام برنامه ای خاص را مثال زد. نتایج بررسی داده های این نوع مشارکت نشان داد که میزان مشارکت ابزاری شهروندان ۲/۱۸۱ می باشد که کمترین میانگین را در بین سایر مشارکت های شهروندان دارا است. این نتایج بیانگر آن است که شهروندان وسایل منقول و یا غیرمنقول خود را برای انجام بهتر امور شهری در اختیار شهرداری قرار نمی دهند و یا در این زمینه کمتر همکاری می کنند.

مشارکت ذهنی و معنوی یکی دیگر از انواع مشارکت های شهروندان است. در این نوع مشارکت، فکر و ذهن مشارکت کننده بسیار حائز اهمیت است زیرا تأکید بر استفاده از افکار گوناگون در مدیریت اداره امور شهر است. نتایج بررسی داده های این نوع مشارکت نشان داد که میزان مشارکت ذهنی و معنوی شهروندان ۲/۳۷۴ می باشد که در سطح پایین تر از حد وسط می باشد. به عبارت دیگر شهروندان به مدیران شهری پیشنهادها و راهکارهای خود را به خوبی ارائه نمی دهند و از نظر فکری مشارکت لازم را ندارند.



شکل (۴): نمودار میزان میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری

بررسی رابطه بین انواع مشارکت با توسعه شهری

به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون های همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. که در ادامه به تشریح یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته می شود.

فرضیه اول: بین انواع مشارکت شهروندان (مالی، ذهنی-معنوی، فیزیکی، و توسعه شهری شهر ایلام رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱): بررسی رابطه بین مشارکت مالی شهروندان و توسعه شهری شهر ایلام

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	تعداد
مشارکت مالی	۰/۶۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
مشارکت سیاسی	۰/۶۰۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
مشارکت فیزیکی	۰/۶۱۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
مشارکت ابزاری	۰/۵۸۰	۰/۰۰۰	۳۸۳
مشارکت ذهنی-معنوی	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۳۸۳

متغیر وابسته = توسعه شهری شهر ایلام، سطح خطا = ۰/۰۵

مطابق با نتایج جدول (۱) مقدار سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد خطاست. بدان معناست که بین متغیرهای مستقل مشارکت مالی، سیاسی، فیزیکی، ابزاری و ذهنی-معنوی با توسعه شهری شهر ایلام رابطه معناداری وجود دارد. این همبستگی برای کلیه متغیرها بالاست و نشان‌دهنده همبستگی قوی و مثبت می‌باشد. نتیجه می‌گیریم که، فرض H_1 قابل قبول است و فرض H_0 رد می‌شود.

به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آزمون رگرسیون استفاده شده و متغیرها از روش Enter وارد مدل رگرسیونی شدند که نتایج آزمون‌ها در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۹) نشان داده شده است:

جدول (۴): بررسی واریانس خطی بودن مدل و آزمون ضرایب رگرسیون چندمتغیره

مدل	ضریب تعیین (R^2)	F (ANOVA)	t	Beta	Sig
مشارکت مالی	-	-	۲/۲۸۶	۰/۱۷۶	۰/۰۲۳
مشارکت سیاسی	-	-	۲/۹۷۹	۰/۱۹۵	۰/۰۰۳
مشارکت فیزیکی	-	-	۳/۸۹۳	۰/۲۷۲	۰/۰۰۰
مشارکت ابزاری	-	-	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۲	۰/۹۸۴
مشارکت ذهنی-معنوی	-	-	۳/۳۲۲	۰/۲۱۶	۰/۰۰۱
تأثیر انواع مشارکت بر توسعه شهری	۰/۵۱۹	۵۴/۷۹۳	-	-	۰/۰۰۰

معادله رگرسیونی

$$y = 0.176x_1 + 0.195x_2 + 0.272x_3 + 0.216x_5$$

چنانچه جدول (۴) نشان می‌دهد، نتیجه آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی خطی بودن مدل رگرسیونی در سطح تشخیص ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، با احتمال ۹۵ درصد مدل خطی رگرسیونی به درستی برازش شده است.

در این معادله رگرسیونی که توسعه شهری y به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد؛ نتایج حاکی از آن است که ضریب تأثیر متغیر مستقل مشارکت مالی (x_1) در سطح تشخیص ۰/۰۵ معنادار است ($t=۲/۲۸۶$ ، $Pvalue=۰/۰۲۳$). بنابراین، تأثیر مثبت مشارکت مالی بر توسعه شهری شهر ایلام تأیید شد.

ضریب تأثیر متغیر مستقل مشارکت سیاسی (x_2) که هم‌زمان با متغیر مشارکت مالی (x_1) وارد مدل شد، در سطح تشخیص ۰/۰۵ با احتمال ۹۵ درصد معنادار است ($t=۲/۹۷۹$ ، $Pvalue=۰/۰۰۳$). بنابراین، تأثیر مثبت مشارکت سیاسی بر توسعه شهری شهر ایلام مورد تایید قرار گرفت.

ضریب تأثیر متغیر مستقل مشارکت فیزیکی (x_3) که هم‌زمان با متغیر مشارکت مالی (x_1) و مشارکت سیاسی (x_2) وارد مدل شد، در سطح تشخیص ۰/۰۵ با احتمال ۹۵ درصد معنادار است ($t=۳/۸۹۳$ ، $Pvalue=۰/۰۰۰$). بنابراین، تأثیر مثبت مشارکت فیزیکی بر توسعه شهری شهر ایلام مورد تایید قرار گرفت.

ضریب تأثیر متغیر مستقل مشارکت ابزاری (x_4) که هم‌زمان با متغیر مشارکت مالی (x_1) و مشارکت سیاسی (x_2) و مشارکت فیزیکی (x_3) وارد مدل شد، در سطح تشخیص ۰/۰۵ با احتمال ۹۵ درصد معنادار نیست ($t=-۰/۰۲۰$ ، $Pvalue=۰/۹۸۴$). بنابراین، تأثیر مثبت مشارکت ابزاری بر توسعه شهری شهر ایلام مورد تایید قرار نگرفت.

ضریب تأثیر متغیر مستقل مشارکت ذهنی-معنوی (x_5) که هم‌زمان با متغیر مشارکت مالی (x_1) و مشارکت سیاسی (x_2) و مشارکت فیزیکی (x_3) و مشارکت ابزاری (x_4) وارد مدل شد، در سطح تشخیص ۰/۰۵ با احتمال ۹۵ درصد معنادار است ($t=۳/۳۲۲$ ، $Pvalue=۰/۰۰۱$). بنابراین، تأثیر مثبت مشارکت ذهنی-معنوی بر توسعه شهری شهر ایلام مورد تایید قرار گرفت.

در مجموع، با توجه به ضریب تعیین محاسبه شده، این پنج متغیر (x_1 و x_2 و x_3) ۵۱ درصد در شکل‌گیری توسعه شهری (y) نقش داشته‌اند و بقیه عواملی هستند که در این تحقیق به علت محدودیت موضوعی مورد بررسی قرار نگرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی شیوه‌های مشارکت شهروندی در توسعه شهری ایلام بود که با روش توصیفی - همبستگی انجام گرفت. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن داشت که میزان مشارکت شهروندان شهر ایلام در امور شهری کمتر از حد میانگین بود که این نتیجه با پژوهش هاشمیان و همکاران (۱۳۹۰) به لحاظ میانگین مشارکت افراد در امور شهر مطابقت ندارد چرا که در تحقیق ایشان سطح مشارکت افراد زیاد بود. همچنین میزان مشارکت‌های مختلف در سطح شهر ایلام نیز متفاوت بود. به طوری که مشارکت مالی با مقدار ۲/۵۱۴ بالاترین میزان و رتبه اول را به خود اختصاص داده و مشارکت ابزاری با مقدار ۲/۱۸۱ در رتبه آخر قرار گرفته است. این نتیجه با پژوهش علیزاده و همکاران (۱۳۹۳) به لحاظ اولویت‌بندی میزان مشارکت‌های متفاوت افراد در امور شهری مطابقت ندارد. به نظر می‌رسد نوع نگاه مردم به امور شهری، فرهنگ، جو حاکم بر جامعه و .. در جوامع مختلف بر میزان مشارکت‌ها تأثیرگذار باشد. یکی دیگر از نتایج این پژوهش وجود رابطه بین انواع مشارکت (مالی، سیاسی، فیزیکی، ابزاری و ذهنی معنوی) با توسعه شهری شهر ایلام بود. این نتیجه نیز با پژوهش علیزاده و همکاران (۱۳۹۳) هم‌راستا می‌باشد. تأثیر مثبت انواع مشارکت مالی، سیاسی، فیزیکی، و ذهنی معنوی در توسعه شهری شهر ایلام نتیجه دیگر این پژوهش بود که شیوه‌های مشارکت فوق ۵۱ درصد از توسعه شهری شهر ایلام را تبیین نمودند. در این بین مشارکت فیزیکی و ذهنی معنوی بیشترین تأثیر را داشته‌اند، این

نتیجه با پژوهش فخرایی و مرزی (۱۳۹۶) به لحاظ تأثیر زیاد بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در توسعه شهری مطابقت دارد. همچنین، این نتیجه با پژوهش تلیار و همکاران (۱۳۹۳)، رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، علیزاده و همکاران (۱۳۹۳)، خواجه و همکاران (۱۳۹۳) و فخرایی و مرزی (۱۳۹۶) به لحاظ تأثیر انواع مشارکت بر توسعه و مدیریت شهری مطابقت دارد.

با توجه به نتایج حاصل از بررسی داده‌ها می‌توان چنین استنباط نمود که ساکنان شهر ایلام تمایل بیشتری به مشارکت ذهنی - معنوی و فیزیکی دارند. به طوری که تأثیر توجه بیشتر به امور محله، انتقال درخواست و پیام‌های خود به مدیریت شهر به هر شکلی، و اعتماد به مدیران شهری توسط شهروندان در مدیریت و توسعه شهری محسوس است. ساکنان نیز با نگهداری از گیاهان و فضای سبز محله، نظافت محله، کار بدون مزد برای بهبود وضعیت محله، تفکیک زباله‌ها و جمع‌آوری آنها می‌توانند به صورت فیزیکی در امور شهر مشارکت نمایند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای افزایش سطح مشارکت مردم در امور شهر و توسعه شهری اقدامات زیر صورت گیرد:

- اجرای برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون و رادیو در زمینه اشکال مختلف مشارکت‌های اجتماعی و تشویق نسل جوان به کارهای جمعی و ارتقاء سطح آگاهی افراد جامعه در خصوص شیوه‌های مختلف مشارکت از طریق اینگونه برنامه‌های آموزشی.

- معافیت مالیاتی و کاهش عوارض شهرداری و یا تخفیف آنها برای شهروندان مشارکت‌جو و نمونه.

- توجه به پیشنهادهای و نظرهای شهروندان در اداره امور شهر به منظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری در میان آنها.

- گسترش فضای فعالیت نهادهای مردم نهاد، در برنامه‌ریزی مدیریت و توسعه شهری.

- حل مشکلات و رسیدگی به خواسته‌های شهروندان جهت تغییر نگرش آنان نسبت به شهرداری.

- جلب اعتماد شهروندان از طرف مدیران شهری از طریق نظرخواهی از آنان و استفاده از نظرات آنها در اجرای امور

شهری

منابع

- آریانپور کاشانی، عباس، و منوچهر، (۱۳۷۴)، «فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی»، تهران: نشر سپهر.
- ابوذری، پانته‌آ، اکبر، پرهیزگار، یعقوب، حق‌پناه، برباز، کریمی، (۱۳۹۰)، «تبیین ضرورت مدیریت شهری سیستمی و مشارکت شهروندی در کلانشهرها»، نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران.
- ارجمندنیا، اصغر، (۱۳۸۵)، «مکانیسم سازماندهی و مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در ساخت، بهره‌برداری و اسکان در شهرهای جدید»، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، جلد سوم.
- پوراحمد، احمد، (۱۳۸۸)، «مدیریت فضای سبز شهری منطقه ۹ شهرداری تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۹، ۲۹-۵۰.
- تلپار، مریم، عربی، یاسر، ربیعی، پوریا، (۱۳۹۳)، «بررسی نقش مشارکت شهروندی در مدیریت شهری با تأکید بر توسعه پایدار»، کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
- حبیبی، سیدمحسن، سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۴)، «شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۴.
- خواجه‌شاهکوهی، علیرضا، نجفی‌کانی، علی‌اکبر، بابائیان، طاهره، (۱۳۹۳)، «بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهرهای میانی در مدیریت شهری، مطالعه موردی: شهر بابل»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۴، شماره ۱۲، ۱-۱۸.
- رضادوست، کریم، علی‌حسین، حسین‌زاده، حمید، عابدزاده، (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه‌ی شهری شهر ایلام»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۳.
- رضایی، محمدرضا، غفورزاده، مجتبی، جعفری‌نسب، حسین، حسینی، سیدمصطفی، احمدی، مسعود، (۱۳۹۳)، «ارزیابی مشارکت شهروندی و نقش آن در توسعه مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر یزد»، اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر، ساری، مرکز همایش‌های توسعه ایران.
- روشن، سعید، (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در فعالیت‌های شهرداری تهران و تأثیر آن بر اداره امور شهر (مطالعه موردی: محدوده منطقه ۹ شهرداری تهران)، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علوم تحقیقات.
- زیاری، کرامت‌الله، نیک‌پی، وحید، حسینی، علی، (۱۳۹۱)، «سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)»، فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۱، ۶۹-۸۶.
- شیخ، ابراهیم، (۱۳۸۱)، شوراها و مشارکت؛ کاربرد روش‌های مشارکتی در مدیریت شهری، نشر: فرهنگ و اندیشه.
- صرافی، مظفر و همکاران، (۱۳۷۹)، «مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره ۲.
- عباس‌زاده، رقیه، (۱۳۸۷)، «بررسی فرآیند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی»، اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- عدالت‌خواه، محمد، (۱۳۷۵)، «برای تحقق مشارکت مردم»، مجله معماری و شهرسازی، دوره ۶، شماره ۳ و ۴، تهران.
- علوی‌تبار، علیرضا، (۱۳۷۹)، «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهان و ایران)»، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها، جلد اول.
- علیزاده، کنایون، رضوی‌نژاد، مرتضی، رادفر، مینا، (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول، ۸۷-۶۱.
- فخرایی، عباس، مرزی، روژین، (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر تهران»، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۲۱، سال ۶، ۱۷-۲۶.

- فیروزبخت، علی، ابراهیمی، رضا، ربیعی فر، ولی‌الله؛ (۱۳۹۱)، «ارزیابی ساختار اجتماعی-فرهنگی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: شهر کرج»، *جغرافیا: پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۳، شماره ۹.
- کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*، سال ۲، شماره ۳.
- کاکاوند، الهام، (۱۳۹۰)، «راهبردهای افزایش مشارکت شهروندان در عمران شهری»، *سومین همایش ملی عمران شهری*.
- محمدی، کاوه، (۱۳۸۷)، «مدیریت شهری یکپارچه و اهداف ایران ۱۴۰۰»، *ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، سال ۹، شماره ۹۲.
- محمدی، جمال، باقری، کیوان، حیدری، سامان، (۱۳۹۲)، «سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر سنندج)»، *مجله تحلیل اجتماعی*، شماره ۴، پیاپی ۶۴، ۱-۳۱.
- مهرزاد، جمال، (۱۳۸۹)، «مشارکت شهروندی و مدیریت شهری، مورد نمونه شهر تبریز»، *اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف*.
- نجاتی‌حسینی، سیدمحمود، (۱۳۸۰)، «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۵، ۱-۷.
- نیرومند، لیلا، عارف، واحدناوان، (۱۳۹۰)، «رسانه و روش‌های نوین مشارکت شهروندی»، *نشریه مطالعات رسانه‌ای*، سال ۶، شماره ۱۲.
- هاشمیان، مریم، بهروانف، حسین، محسن، نوغانی، (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد»، *سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*.
- Cohen, J., (1999), "Changing Paradigms of Citizenship and the Exclusiveness of the Demos", *International Sociology*, 14 (3): 245-268.
- Royterz, Gorge, (1994). "Sociological Theories", translated by Mohsen. Salasi, scientific publications.
- Rusmarsidik, T. (2000). "Models of urban governance for bandung metropolitan area hn Indonesia". Center for developing cities. www.cities.canbera.Edu translated by Naser. Berakpor, *Journal of Architecture and Urban Planning*, No. 48.
- UN., (2000). "Governance, participation and partnerships". Un.Org.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی